

روایت معصومه رامهریزی از «امدادگر کجایی؟» کتاب مهمی که از روایت رسمی دور شده

با وسواس و احتیاط می‌نوید

کتاب «امدادگر کجایی؟» از منشورات انتشارات مرز و بوم است که تحت نظر و حمایت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس فعالیت می‌کند. معصومه رامهریزی، نویسنده این کتاب، خاطرات علی عجرش، شوهرخواهرش را که در زمان دفاع مقدس به کار امدادگری مشغول بوده به نگارش درآورده است. این کتاب اخیراً در ظاهری متفاوت و با قیمت ۱۱۰ هزار تومان به بازار نشر ارائه شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گذری است بر گفته‌های معصومه رامهریزی که در نشست نقد و بررسی این کتاب در خبرگزاری مهر بیان کرده است. رامهریزی که خود از اهالی آبادان بوده و در روزهای جنگ، حضوری فعال داشته است، پیش از این کتاب‌های «من میترا نیستم»، «راز درخت کاج» و «یکشنبه آخر» را در حوزه یادآوری نگاشته است.

نقش محقق و نویسنده در تاریخ شفاهی جنگ



نقش محقق و نویسنده در آثار مستند و تاریخ شفاهی جنگ بسیار مهم است. چیزی که در کتاب می‌بینید و خط روایی که در آن پرداخته شده، کار محقق است و نه راوی. ما محققان هستیم که از حساسیت رویدادها آگاهیم، نقاط تاریک و روشن را می‌شناسیم و از قبل می‌دانیم که به دنبال کدام بخش‌های روایت باید بگردیم و این بخش‌ها را در ضمن سؤالات از ذهن راوی بیرون می‌کشیم.

زندگی هر کدام از مردم در جنگ چگونه گذشت؟



برای شخص من همواره روایت زندگی در جنگ مهم بوده است و دوست داشته دارم که بدانم زندگی هرکس و هر یک از مردم در جنگ چگونه گذشته است. شما تا آنجا که زندگی افراد را ندانید و تا دنیای آنها را کشف نکنید، نمی‌توانید کتاب خاطرات خوبی دربرآوردید. در بحث خاطره‌نویسی رویکردهای متفاوتی وجود دارد که بسیاری از آنها ما را به سمت اطلاعات محض می‌برد و نویسنده را به این سمت سوق می‌دهد که فقط هر میزان اطلاعات موجود را از راوی استخراج کند. اینجاست که روایت نخواندنی می‌شود و باعث می‌شود تصاویر و قاب‌ها را نبیندیم و دنبال درآوردن داستان زندگی و تصویرسازی نباشیم.

با ضرورت جنگ وارد امدادگری شدند



برای من به عنوان کسی که تجربه زیسته امدادگری جنگ را داشته، این مهم بود که کسی سراغ این دسته از امدادگران نرفته است. علتش هم این است که این افراد، افرادی غیرنظامی بودند که با ضرورت جنگ وارد امدادگری شده و بعد هم پراکنده شدند و به دنبال زندگی خودشان رفتند و کسی نبود که داستان‌شان را ثبت کند. این افراد یک تربیون رسمی ندارند. این روایت‌ها محصول فعالیت‌های شخصی است. اگر امکانات شخصی، تهران‌نشینی و ارتباط فامیلی من با راوی این کتاب هم نبود، شاید همین مقدار را هم نمی‌توانستیم به سرانجام برسانیم و این نقطه ضعف ماست که کار را برای روایت این قصه‌ها سخت می‌کند.

با وسواس و احتیاط می‌نویسیم!



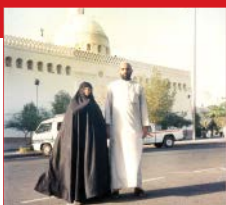
من در زمان نوشتن به علت حساسیت ثبت خاطرات راوی به صورت عین به عین، به خودم اجازه نمی‌دادم که در این حد در متن دست ببرم که جمله‌ای را که در روایت جا دارد و آسیبی به آن نمی‌رساند در بخش‌های مرتبط برای حفظ مبنای نام کتاب، جاگذاری کنم. اما شاید اگر امروز بود این کار را می‌کردم. ما مستندنگارها و نویسندگان تاریخ شفاهی، به شدت با وسواس و احتیاط می‌نویسیم و ما چون مستند نویس و تاریخ‌نگار هستیم، خیلی مظلوم و مهجور و محدودیم، این کتاب‌ها برای تاریخ می‌ماند و به عنوان منبع مورد رجوع قرار می‌گیرد. اگر در موارد بسیار که آقای عجرش توسط مجروحان مورد خطاب قرار می‌گیرد، این جمله را در کتاب ذکر کرده بودم امروز دیگر این مشکل وجود نداشت. در هر صورت ارتباط تنگاتنگ نویسنده و مترجم می‌تواند بخش زیادی از این مشکلات را رفع کند.

با سینما رکنی، یک سال عقب افتادیم!



این کتاب تمام شده و آماده چاپ بود. شبی که کتاب را خدمت آقای عجرش برده بودم تأیید و امضا کنند، از تلویزیون مستندی درباره سینما رکنی پخش می‌شد. ناگهان ایشان گفت «یادش بخیر دادگاه سینما رکنی!» این درحالی بود که من قبلاً مطالب مرتبط با آن را از راوی گرفته بودم اما هنوز اشاره نکرده بود که او در کمپ امداد سینما رکنی بوده، پس همان‌جا دوباره پروسه تحقیق در این موضوع اضافه شد و چاپ کتاب، یک سال عقب افتاد. اما مهم بود چون بخش مهمی از تاریخ انقلاب ماست.

همواره در جست‌وجوی روایت غیررسمی‌ام



کتاب خاطره‌نویسی دو وجه دارد؛ وجه تاریخی و وجه ادبی. ما این وسط دوزیست هستیم. هم باید حواس مان به خط دراماتیک داستان باشد و هم مسائل تاریخی و سندی. برای من اشاره به تمایز روایت رسمی و غیررسمی بسیار جالب بود و باید تصریح کنم که همواره در جست‌وجوی روایت غیررسمی بوده‌ام چون این بخش جامانده در روایت جنگ است. موقتی دائماً یک جور روایت کنیم، نه برای کسانی که اهل مطالعه به قصد لذت و سرگرمی هستند و نه برای پژوهشگران و نه برای تاریخ، آورده‌ای نخواهیم داشت. دنبال این بودم که روایت غیررسمی مردمی از جنگ، پرداخته شود. ما بچه انقلاب هستیم.



از نگاه منتقد

روایتی بی‌پرده و رک‌گو



محمد قائم‌خانی

خط محوری داستان به خصوص در دو فصل اول بسیار خوب پیش می‌رود. پراکنده شدن یک خانواده در جریان یک بحران ملی، محور دراماتیک این قصه است که در عین مستند بودن بسیار پرداخت داستانی خواندنی و جذابی را پیش روی مخاطب می‌گذارد. موقعیت‌های کمدی خیلی خوب از کار درآمده و این موضوع از دو وجه بسیار مهم است؛ اول وجه روایی است که در میان تصاویر خشن جنگ و موقعیت بسیار پرتنش آن، طنزهایی به کار می‌رود که فضا را تلطیف می‌کند و به شدت هم خنده‌دار هستند که در اصل محصول شخصیت خود راوی یعنی آقای عجرش است اما در داستان هم به خوبی پرداخته شده است. وجه دوم موقعیت‌های کمدی صرفاً برای استراحت و تلذذ در جریان داستان وارد نشده‌اند بلکه با نوعی طنز اجتماعی در شکل اعتراضی آن مواجهیم.

روایت نوعی بی‌پردگی و رک‌گویی دارد که برای خواننده بسیار جذاب است و باید اشاره کنم تصاویر بکری که در میانه و پایان کتاب استفاده شده‌اند هم بی‌سابقه و منحصر به فرد هستند و به روایت کمک می‌کنند.

تاریخ، صرف گزارش گذشته نیست و باید بپرسیم که برای امروز ما چه دارد. کتاب «امدادگر کجایی؟» روی شکاف‌های سیاسی و اجتماعی روز ما می‌ایستد و روزهای بیداری را روایت می‌کند. زاویه دید روایت آن هم مردم هستند.

متأسفانه روایت رسمی دارد به سمت خالص‌سازی حرکت می‌کند. حتی اگر این خالص‌سازی را بپذیریم حالا این مسیر به حذف و هرس زوائیدی رسیده که شاید برای برخی گفت‌وگوها یا نهاد قدرت جذاب نیست اما کتاب امدادگر کجایی؟ با رؤیت بخش مربوط به انبار مشروب به مبارزه با این شکل خالص‌سازی در روایت رسمی می‌رود. شاید بگوییم که مردم به خصوص آنها که در زمان انقلاب و جنگ بوده‌اند این چیزها را می‌دانند و می‌گویند اما مهم است که متن به آنها بپردازد و این کتاب از معدود متونی است که این روایت‌ها را ثبت و ضبط کرده است. ما باید جلوی یک‌دست شدن روایت‌ها را بگیریم و کاری که این کتاب کرده بسیار ارزشمند است و نشان می‌دهد که یک متن مستقل از روایات رسمی تولید شده است. کتاب به مسائل اجتماعی مختلفی اشاره می‌کند که روایت‌شان قابل تحسین است. یکی از آنها شعاردادن در ماجرای تظاهرات خلق عرب است که در عین کمدی بودن، نشان می‌دهد چقدر مسأله زبان در ایجاد تضادهای سیاسی و اجتماعی مهم است. درباره سینما رکنی هم اعتراف شجاعانه این روایت به این احتمال که واقعه می‌توانسته واقعا برخاسته از انگیزه‌های برخی گروه‌های اسلام‌گرا باشد، باز هم زاویه اثر باروایت رسمی را نشان می‌دهد؛ موضوعی که روایت رسمی در پی حذف احتمال آن است. این اتفاق تصویر بزرگ‌تری از جریان‌های درگیر در انقلاب ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف واقعا چه انگیزه‌هایی داشتند و تا چه اندازه حاضر بودند برایشان هزینه بدهند.